

## در «مثلث زندگی» باید جستجو کرد

این مقاله را آقای جمال الدین ادیب دانشجوی دانشکده پزشکی از هانوس- آلمان غربی بعنوان پاسخ بسؤالی که از طرف مجله مطرح شده است فرستاده و ضمن تجزیه و تحلیل دقیق این موضوع اطلاعات جالبی در باره وضع اخلاقی جوانان اروپا که خود ناظر آن میباشد در اختیار خوانندگان گرامی قرار میدهد

به عقیده دانشمندان روانشناس امروزی تکامل اخلاقی تربیت و سلامت کامل افراد بشر را یک مثلث متساوی الاضلاع بنام «مثلث زندگی» در بر دارد یک ضلع این مثلث را «ارث» ضلع دیگر را «محیط» و ضلع سوم آنرا «تربیت» تشکیل میدهد در اطراف ضلع اول این مثلث یعنی «ارث» باید ببینیم یک کودک نوزاد چه چیزهایی از پدر و مادرش بعنوان ارث سوقات آورده؟ آیا پدر مادری سالم، عاقل و خوش طینت داشته؟ یا در عوض دارای مرضی جسمی یا روحی بوده اند و یا اینکه خودشان ظاهرأ سالم ولی از لحاظ روحی یا جسمی حامل یک مرضی بوده اند «چون بعضی از امراض روحی یا جسمی هستند که امکان دارد پس از چند نسل بروز کند» در هر صورت در باره این ضلع مثلث که خود بحث مفصلي دارد شرح بیشتر از عهده این مقاله ما خارج است.

ضلع دوم «مثلث زندگی» را «تربیت» تشکیل میدهد یعنی حالا که این کودک نوزاد بوجود آمد و مثلاً از لحاظ ارث موجودی کامل و سالم است آیا کار تمام است؟ باید گفت خیر بلکه برعکس تازه اول پرورش روحی و جسمی و تربیت اخلاقی اوست از یک کودک باید

آنقدر مواظبت کرد تا مثل درختان وحشی کج و موج بار نیاید او را باید از کوچکی بایمان باشهات و تندرست بار آورد این وظائف خطیر تمام بمهده پدر و مادر اوست که باید چون يك معلم دلسوزی مشکلات او را حل کرده و واقعاً برای او ارزش قائل بشوند گاهی تنبیه مختصر؛ زمانی خوشرومی؛ وقت دیگر باتهدید، و همینطور باطرق عملی و مفید دیگر او را از انحرافات بازدارند، در تمام این مواقع نباید حس شهامت و بزرگمنشی او را از بین ببرند بلکه برعکس باید حس خداشناسی؛ ایمان پاك؛ راستگویی و شهامت را در نهاد و وجود او طوری پرورش دهند که انحراف پذیر نباشد وقتی تربیت صحیح و حقیقی از روی حقیقت و استحکام پایه گزاری شد آنوقت میشود بآینده او باینکه او جوانی فاسد نشود امیدوار بود.

البته بشرط اینکه دنباله این برنامه نیمه تمام نماند کودک کم کم بحالت بلوغ و تکامل عقلانی میرسد اینجاست که ضلع سوم مثلث یعنی «محیط» بیش از مواقع دیگر او را بخود جلب می نماید دیگر او بچه دیروز نیست که بشود او را باتهدید و تنبیه از انحرافات اخلاقی باز داشت او دیگر بگفته های رادیو با دقت بیشتری گوش می کند مجله ها و روزنامه ها را می بیند و زرق و برقه های ظاهری کوچه و خیابان هم در او اثرات دیگری بجای می گذارند يك پدر و مادر دلسوز باید در این موقع از فرزندان خود بسیار مواظبت نمایند، تنبیه و تهدید دیگر نتیجه معکوس می دهد آنها باید تمام موضوعات مختلف را که ممکن است اثر سوئی در او بگذارد بدون سهل انگاری برای او موشکافی نموده و راه حق و حقیقت را با او شناسانده و با استدلال و منطق «نه طوطی واری» و نیز خوشرومی و متانت اعمال زشت و ناشایست را از چشم او انداخته و او را واقعاً از بدیها بقول معروف زده بکنند.

يك پدر و مادر واقعی بایست در این مرحله «محیط» را برای اولادان خود بیافرینند آنها را در مجالس دینی و اخلاقی شرکت دهند اوقات بیکاری او و رفقای او و کتابها را که احیاناً مطالعه می نمایند همه را کنترل نمایند يك جوان را باید امروزه حداقل تا بیست سالگی کاملاً کنترل و در تمام موارد لزوم هدایت و راهنمایی کرد؛ در این وقت است که سه ضلع مثلث زندگی او سه ضلع کامل بوده و يك جوانی تحویل جامعه داده میشود که تبلیغات سوء دشمنان، برنامه های مضر، عوامل تبلیغاتی، مناظر سینماها و مجلات و روزنامه ها و زرق و برقه های کوچه و خیابان و امثال آنها در او اثری نخواهد کرد او در آن وقت مضرات برنامه فرهنگ را میداند او تربیت اصلی خود را با وجود انحرافات محیط طی کرده او از وقتی که کودک

کوچکی بوده مثل يك شاخه گل مواظبت شده تا گیاهان هرزه لطف و زیبایی او را از بین ببرند و حالا که باین سن رسیده خودش بشنهایی تقریبی می تواند از عهده گیاهان هرزه برآمده و تحت تأثیر قرار نگیرد تمام صحنه ها و عوامل دیگر در تربیت روحی و اخلاقی او دل کوفتن میخرا بر سنگ بازی کرده و نمی توانند به محسنات اخلاقی اولطمه ای وارد بیاورند .

باین بحث مختصر در اطراف مثلث زندگی می بینیم که منشاء تمام مفاسد اخلاقی جوانان و اصولا افراد بشر بواسطه اختلال يك یادو یا هر سه ضلع مثلث زندگی آنها می باشد خیلی ساده است يك پدر مادریکه از لحاظ روحی یا جسمی کامل نباشند نمی توانند يك اولاد سالم و کامل تحویل جامعه بدهند يك پدر مادریکه بعوض تربیت فرزند شان او را ترسو ؛ دروغگو و بی بند و بار باری آورند و عوضیکه او را در مجالس اخلاقی ببرند پای او را با خود به مجالس لهو و لعب و یاقمار و میخواری بازمی کنند نباید توقع اصلاح جامعه را داشته باشند اصولا این نوع جوانان هستند که در اثر از دست دادن يك یاد و ضلع مثلث بواسطه نداشتن مربی صحیح ضلع سوم مثلث زندگی را هم خود بخود از دست می دهند خواهی نخواهی در اثر پرورش نیافتن روحی و اخلاقی و بواسطه بی بند و باری آلت دست هر عامل زشتی قرار میگیرند چنانکه اکثریت يك جامعه را چنین اشخاصی تشکیل دهند واضح است که آن جامعه را جامعه ای فاسد میخوانند . شیوع و بروز فساد را نه تنها مامتأسفانه در جامعه خود می بینیم بلکه یکی از علل اصلی آن پیشرفت تمدن باصطلاح جدید در غرب است و همین زرق و برقه های تمدن غرب است که ضلع سوم مثلث زندگی یعنی محیط رادرم پاشیده و فساد را روز بروز توسعه می دهد .

در کشورهای اروپائی که خود را باصطلاح متمدن تر میدانند این مفاسد هم خیلی بیشتر بچشم میخورد امروز در اروپا دیگر از جوانان گذشته و بفکر تربیت پدر و مادرها افتاده اند کتابهای متعددی در این باره چاپ شده و حتی کلاسهای در بعضی کشورها مثل فرانسه باز شده که طرز تربیت کودکان را بوالدین میآموزند فکر می کنند شاید با تربیت بزرگان و هدایت آنها بشود کمی از توسعه سرسام آور فساد جلوگیری کرد .

مثلا در آلمان بواسطه آزادی بیش از اندازه جوانان ، فساد و تباهی بطور سرسام آوری در جوانان ریشه دو اندیده و می دواند ، هر دختر پسری بمحض اینکه کمی سیاهی و سفیدی را تشخیص دادند بفکر داشتن رفیق یا رفیقه می افتند ، جوانان با سن کم بین دوازده تا بیست اغلب میگیر می کشند ، یکی از تفریحات این جوانان یاد گرفتن رقص و شرکت در

مجالس رقص است؛ در تابستان استخرهای شنای آزاد در زمستان استخرهای شنای سر پوشیده بروی همه بازا است، از کوچک و بزرگ زن و مرد پس و دختر نیمه عریان در این استخرها درهم می لولند، استعمال مشروبات الکلی خیلی زیاد و روز بروز رو بتزاید است کودکان از کوچکی بنوشیدن انواع مشروبات الکلی عادت می کنند؛ سینماها کاباره های رقص میخانه ها زیرزمینهای عیاشی و غیره تانمی از شبها باز هستند، آنقدر که یک جوان اروپائی حاضر است بایک معلم رقص یا موسیقی یا یک نفر جنس مخالف بحث کند حاضر نیست یکصدم آنرا صرف موضوعات اخلاقی و دینی نماید، اگر فرضاً ضلع مثلث «ارث» آنها زیاد ناقص نباشد در اضلاع «تریت و محیط» خیلی نواقص و اشکالات وجود دارد.

البته آنها در ضلع «تریت» یاد گرفته اند که دروغ و تقلب بد است تهمت زدن و کلاه برداری تنبلی و طمع بمال دیگران پسندیده نیست بنابراین بهمان «نسبت» که انسان در اینجا بانحرافات جنسی و اخلاقی بر می خورد، کمتر دیده میشود که کسی در فکر کلاه برداری، تقلب، دروغ گوئی و غیره باشد، اگر کسی چیزی در اتوبوس قطار یا خیابان گم کرد احتمال از بین رفتن آن خیلی کم است و نود درصد چیز مفقود شده در اداره پلیس یا اداره چیزهای پیدا شده یافت میشود؛ اگر اینها بواسطه تأثیر محیط و آزادی بی مورد در دوران جوانی که نوبر تمدن با اصطلاح جدید است راه قهقرائی می بینند از لحاظ راستی و درستی و فعالیت و کار که همان دستورات دینی است که بجامانده هر کسی را واداره قدرشناسی می نمایند.

اگر خوب دقت کنیم تمام این پستی و بلندیها دو باره بهمان «مثلث زندگی» و شدت و ضعف یکی یا چند اضلاع آن بر میگردد یعنی که یک پدر و مادر باید «مورث» صحیح و کامل و سالم «مری» دلسوز و فهمیده و نیز آفریننده «محیط» برای فرزندان خود باشند پس بنابراین تمام عوامل فساد اخلاق جوانان چه در کشور ما و چه در سایر نقاط عالم بستگی باختلال یکی یا چند ضلع از اضلاع «مثلث زندگی» «ارث، تریت، محیط» را دارد و آنهم در درجه اول بگردن پدر و مادر بعد تقصیر عوامل ثانوی و فرعی دیگر است ولی فساد اخلاق پدران و مادران بگردن کیست؟ بایست یک بار دیگر این مقاله را از نو بخوانیم!

آقای موسی خونی - از نجف اشرف

## محیط آلوده است

نفت بگذارید از کوششهای نشریه سودمند «مکتب اسلام» که گامهای بلندی

دزراه ترقی و تعالی دین مبین اسلام بر میدارد بسهم خود تشکر کنم .

حال در بجهت اجتماع را بگشاییم و بادیده بصیرت یکایک زوایای اجتماع را بنگریم از خفایای آن آگاه گردیم و سپس از خود پیرسیم «فساد جوانان از چیست مسلماً جزم محیط ؛ چیز دیگری نخواهد بود : چگونگی پرورش یک جوان را از مرحله طفولیت تا جوانی بنگریم کودک دیده بجهان می‌گشاید و اندک اندک می‌خواهد خود را در پاید باطرافش مینگرد، از همه سوحیل و تزویر ؛ دنات و پستی، دروغ و فریب ، بیداد گری و دشمنی را در همه جا حکم فرمائی بدید یک نوع ناهم آهنگی بین درون خود و این آلود گیهای بیند خواه ناخواه این عوامل و این بلیدیهها بر قلب لطیفش غباری از بدخومی جای می‌گذارند .

دوره ای پس از این مرحله آموزش است. کودک بدستان پای می‌گذارد و در آنجا ؛ عدم تعلیم صحیح فرهنگ ، عدم تربیت کامل دانش آموزان ؛ آگاه نبودن آموزگاران از طرز تربیت اخلاق بر طبق تعالیم عالیة اسلام ؛ و بیش از همه کمبود تعلیمات دینی ، دانش - آموزان را از روح تقوی و صلاح دور می‌سازند . پس از این کودک بمرحله خطرناک بلوغ پای می‌گذارد و اینجاست که از همه سو گردابهای خطرناک اطراف او را فرا گرفته . در این مرحله که آغاز جوانی است پدرها بر اثر تعصب و یا بعضی از عوامل نمیتوانند حقایق را گوشزد فرزندانشان کنند و بدینگونه باعث انحراف و لغزش آنان میگردند . از سومی سینما ها با فیلم های زننده شان ، و از طرفی بعضی مجلات و کتب با عکسها و نوشته های زهر آگیشان ؛ و بیش از همه این زندهای لغت و عور ، و بقول آن نویسنده « نسخه دوم زنان هولیود» هر یک چون نیشی کالبد جوانان را میشکافند . آیا با این مفاسد میتوان جوانی را از سوسه های شیطانی ایمن نگاه داشت ؟

بنا بر این گناه از جوانان نیست گناه از محیط است . گناه از اجتماع لجزاز است : گناه از آن پنجه خونینی است که پیوسته گلوی جوانان را میفشارد تا جانانشان را بازستاند و آنانرا بیکری بیروح بگذارد و از روی استخوانهایشان با گامهای سنگین بگذرند .

آقای احمد - ن - از شهر بابک

## مجلات نروع آور و مسوم !

چرا جوانان ما منحرف میشوند ؛ من هر وقت در باره این موضوع فکر کرده ام

علت و سببی بزرگتر و خطرناکتر از مطبوعات و جراید (آنها هم از مجلات یا روزنامه و کتب مضره) بفکرم نرسیده است. امروز عده ای جنایت کار واقعی و نفع پرست که بمصدق قول شاعر بزرگ، چشم تنگشان را جز خاک گود پر نمیکنند با انتشار مطالب مضر و عکس‌های لغت و شهوت انگیز، جوانان چشم و گوش بسته و سالم ما را تبدیل با افرادی فاسد و جانی و تبه کار می نمایند.

اینها آفت و بلائی هستند که از مملخ‌های مراکشی و میکروبهای مهلك هم خطرناکتر و مضر ترند اینها ضمن اینکه خود را ناشر و مبلغ تمدن و فرهنگ قلمداد میکنند کما خرفیغ تمدن واقعی و فرهنگ واقعی ما را بیرحمانه ویران میکنند اینها با نشر مطالب ناپسند خود احساسات پاک جوانان را کشته و شعله ای سوزنده از افکار مسموم و غلط در مغز آنها مشتعل میکنند اینها هستند که شاهکارهای سینمایی و نوابغ عالم هنر (و رقاصی و هرزه گوی) را بجوانان معرفی کرده و با افتخار فراوان اخبار مهیج سینمایی را درج میفرمایند!

اینها هستند که حتی مبلغ فیلمهای سرتا پا جنایت و شهوت هم شده و مردم را دعوت میکنند که حتماً فلان شب بدیدن فیلم سراسر عشق و هوس و خیانت... بروند و تادیر نشده، از این موهبت بی نظیر بهره مند شوند.

همینا هستند که نهال بارور فرهنگ و هنر واقعی را بپیشه خیانت و تزویر سرنگون کرده و طرفداران حقیقت و دوستان علم و هنر واقعی را مأیوس و پریشان؛ و افراد پست و بدکار و زنان هرچامی را بعنوان «ملکه‌ها و قهرمانان هنر» معرفی میکنند و در نتیجه جوانان ساده دل و زودباور را در پرتو این قبیل مطالب مهوع و مسموم از راه مستقیم بیرون رفته و دروادی خطرناکی که انتهائی جز سقوط و بدبختی و فلاکت ندارد سرگردان میسازند، یکش روزی دولت برای مبارزه با این میکروبهای مهلك اقدام میگرد.

بانوئی از اراک

## بلای پیکاری!

چندیست که نشریه وزین درسهای از مکتب اسلام مسئله فساد جوانان را مورد نظر خوانندگان قرار داده با علت واقعی و سبب اصلی فساد جوانان را از زبان اجتماع با افراد

جامعه برساند . تاکنون سخنان فراوانی در اینباره بیان آمده و علل زیادی رایان داشته اند ؛ ولی تصور نمیکنم حق مطلب آنطور که شایسته و سزاوار بوده ادا شده باشد و هسته مرکزی جمیع مفاسد و عات العلل تمام فجایع روشن و آشکار گردیده باشد گرچه باید قبول داشت که اکثراً درست تشخیص داده اند زیرا علل فساد جامعه کنونی یکی و دوتا و ده تا و صد تا نیست بهر چیز و بهر جا که مینگریم مظاهر فساد و فحشاء و منکر جلوه گر است با این وصف آنچه از همه بیشتر مؤثر بوده و میتواند ماده جمیع بدبختیها و مفاسد اخلاقی باشد همانا بیکاریست ؛ امان از بیکاری !!! که ام الفساد و مایه تمام فجایع و منشأ جمیع ذرائع اخلاقی است گویند مصلح جهان بشریت حضرت ختمی مرتبت رسول اکرم اسلام میفرموده «ان الله یبغض الیغرض الیغرض» : خدای دشمن دارد جوان بیکار را .

بلالی دانشمند انگلیسی میگوید « ذهن شخص بیکار مانند خانه ای است که درب آن بروی بدکاران و دزدان باز باشد » آری بیکاری و تنبلی است که رشته نظم اجتماع را از هم گسیخته و برنامه صحیح افراد جامعه را از هم میپاشد و عنصر فعال و زنده جهان را حیران و سرگردان بهر سوی پراکنده مینماید و در نتیجه دزدبها و چاقو کشیها و جنایات صورت خارجی پیدامی کند .

همچنین در اثر بیکاری و نداشتن وسائل سرگرم کننده علمی و اخلاقی است که اوقات گرانباه و عمر عزیز خود را در سینماهای فضیلت کش گذرانده و بتمشای صحنه های شرم آور تأثر و دیدن مناظر بدآموز تلویزیون میشتابیم و گرنه افرادی که صاحب کار و حرفه و اشتغال علمی و صنعتی و هنری باشند هرگز و هیچوقت فرصت این حرفهارا پیدا نمیکنند آری تنها بیکاریست که پای هر زن و مردی را بجاهای بدباز نموده و اجازه انجام هر عمل خلاف اخلاقی را باو میدهد .

بس علت اصلی فساد جوانان فقط بیکاریست و بس واگر خواسته باشیم ریشه جمیع مفاسد را از بیخ و بن در آوریم باید برای عموم افراد اجتماع بویژه جوانان مملکت ایجاد کار و حرفه مناسب و صحیح نمود و آنها را از بیکاری و ولگردی و این درو آند زدن و هزاران کار بیمنی و لغو و بیهوده بازداشت .

امروز در ممالک مترقی و متمدن جهان مرض مهلك و مسری فساد را بدوای شفا بخش « کار » معالجه میکنند ؛ تاجائیکه جوانان مجرم و گناهکار و زندانیان جانی و تبه کار را کار و حرفه میآموزند .

آقای حسین موسی - از بجنورد

## ایمان و اراده‌ها را باید قوی کرد

بعد از اسلام و درود فراوان باید عرض کنم که بیش از چند هفته ای نیست که با مجله شما آشنا شده‌ام لیکن در همین مدت محدود و کم و با مطالعه فقط سه شماره از نشریه وزین درس‌هایی از مکتب اسلام حقاً بایستی اعتراف کنم که درس‌هایی از مکتب اسلام آموخته‌ام؛ مع الوصف شاید چندان مقول بنظر نرسد که شخصی باین زودی یعنی بعد از چند هفته آشنائی بایک نشریه مطلبی انتقادی یا اصلاحی بنویسد، بلکه شایسته است قدری این تماس بیشتر شود بعداً نظراتی از هر نقطه نظر از طرف خواننده اظهار گردد.

اما موضوع درد دل آقای ع - ح - ح محصل کلاس ششم ریاضی در شماره ۶ آن مجله باعث شد که مطالبی بعرض برسانم تا در صورتیکه منطقی و مستدل بنظر رسید از نظر اطلاع آن جوان عزیز و سایر خوانندگان گرامی، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام امر بدرج فرمایند - آری این برادر دینی و هم‌میهن عزیز چگونگی شهر تهران را از لحاظ وجود زنان مدبرست و هرزه و سینما و صفوف طویل اتوبوس و وضع تحصیل و غیره تشریح کرده و گویا بدلائل فوق تا اندازه ای برای انحراف و فساد جوانان تهران حقی قائل شده اند البته در اینکه شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور دارای چنین وضعی میباشد حرفی نیست چون حقیر در تهران و اغلب شهرهای ایران سکونت داشته‌ام و مناظر زننده و گمراه کننده هم بسیار دیده‌ام و شکی هم ندارم که مشاهده این صحنه‌ها باعث فساد اخلاق جوانان که جای خود دارد باعث فساد اخلاق پیران هم میشود، اما چه جوان و چه پیری؟

لابد این دوست محصل؛ جریان آن طلبه گویا اصفهانی را که شبانه دختری سیمین تن بجزه او پناه آورد و آن طلبه با اینکه جوان بود و در بحران شهوت و غرائز جنسی بود معیناً بانفس خود جهاد کرد و هم خود و هم آن دختر که شاید جمیع جهات آلودگی برای هر دو وجود داشت هر دو پاک و پاکیزه شب را بصبح رساندند و این ماجرا بقیمت سوختن دستهای آن جوان تمام شد؛ نشنیده باشند البته باید جامعه را اصلاح کرد و باید با عواملی که موجبات سقوط افراد را بفساد و فحشاء فراهم میکنند مبارزه کرد، اما علاوه بر این حرفها یک مطلب مهم و قابل توجه دیگری هم هست و آن نیروی لایزال ایمان بخدا و ترس



## حرکت زمین و شرافت مکه معظمه

قریب دو هزار سال هیئت بطلمیوسی (یعنی هیتی که مبتنی بر سکون و مرکزیت کره زمین بود) در اعماق دماغ علمای هیئت ونجومو هواخواهان کلیسا چنان ریشه دوانده بود؛ که احدی را قدرت بر تعاف آن نبود و هر کس برخلاف آن اظهار نظر میکرد چنان تکفیر کلیسا مفزاور امتلاشی میساخت؛ تا چهار قرن پیش همان اصول بطلمیوسی چنان مسلم خاص و عام بود که گالیله بیچاره (حکیم و ریاضی دان معروف ایتالیائی) چون عقیده خود را درباره حرکت زمین ابراز داشت و باینکه نظریه خود را باین سلسله از استدلال ریاضی و ارضاد آسمانی اثبات نمود معینا کلیسای «روم» ویرا تکفیر کرد و بتوبه و استغفار از این عقیده و ادار ساخت و این پیر مرد هفتاد ساله را تا زنده بود از مباشرت با مردم محروم و در حبس نظر کلیسا زیست مینمود این مطلب، خود داستان مفصلی دارد که شرحش محتاج بمقاله جداگانه ای است که از حوصله این مقال خارج است.

بازی مقصود از تقدیم این مقدمه این بود که خوانندگان گرامی بدانند که هیئت بطلمیوسی تا چه اندازه در افکار مردم رسوخ کرده بود بطوریکه جزء سنن دینی ملل مسیحی گشته و خلاف آنرا کفر و الحاد میدانستند با این وصف نبی اکرم و شارع اعظم اسلام (ص) باینکه برای تدریس علم هیئت مبعوث نشده بود بلکه برای هدایت و ایجاد سعادت برای کافه نوع بشر از جانب خدای بزرگ برانگیخته شده بود از طریق لطف و عنایت در پرتو وحی آسمانی در چهارده قرن پیش یعنی هزار سال قبل از گالیله در قرآن کریم میفرماید:

**و تری الجبال تحمها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء**  
(سوره ۲۷ آیه ۹۰).

یعنی: کوهها را می بینی و گمان میکنی که آنها ساکن و بی حرکت اند و حال آنکه مانند ابر در فضا حرکت میکنند. این صنع و آفرینش الهی است که هر چیز را در جای خویش محکم و استوار ساخته است. این خود بهترین بیان برای حرکت کره زمین است.

چنانکه در همین کتاب مقدس آسمانی وارد است... **والارض بعد ذلك دحیها (۱)**  
**اخرج منها ما نھا و هر عیها** (سوره ۷۹ آیه ۳۰) یعنی پس از آن زمین را بجنبش آورد و آب

(۱) وقتی که شتر مرغ تخم میگذارد دوروی آن میخواهد تا جوجه بر آورد گاهی آنرا با پای خود میفلطاند تا ز پرور شود و همه اطرافش یکسان کسب حرارت کنند این حرکت دادن تخم را عرب دحودحیه میگوید.

و چرا گاهش را از خود آن هوید ساخت و چون این آیه مبارکه را با حدیث شریف «ان الله عزوجل دحی الارض من تحت الکعبه ثم بسطها علی الماء» (یعنی در حقیقت خدای عزوجل زمین را از زیر کعبه بحرکت آورد و سپس آن را بر روی آب گسترش داد) در نظر بگیریم بهترین بیان و روشن ترین کلام بجهت حرکت وضعی زمین میباشد چنانکه «بونولی» منجم انگلیسی در باب حرکت وضعی زمین میگوید: من گمان میکنم که در ابتدای امر یک قوه محرکه ای در حدود استوا بر زمین اصابت کرده و آنرا از مغرب بمشرق بحرکت آورده است و چون موافق حدیث شریف «دحو الارض» آن قسمتی از کوره زمین که ابتدا سراز آب بیرون آورده زمین مکه بوده است. شاید یکی از علل شرافت این سرزمین همین باشد که خدای تعالی مسکن و ماوای حضرت ابراهیم خلیل و پسرش اسمعیل علیهما السلام قرار داد و بهمین لحاظ این مکان مقدس مطاف کلیه ملل اسلام و محل انعقاد کنگره مسلمین گشته است.

و در اینکه اراضی عربستان از نقطه نظر ژالوژی با طبقات الارض یکی از قدیمی ترین نقاط سطح کره زمین است حرفی نیست آری در همین مکان مقدس بود که در چهارده قرن قبل پایه و اساس تمدن نوینی ریخته شد که دنیای بشریت را از حالت بردگی و اسارت نجات داد خوان معارفش بتدریج در تمام دنیای مسکون گسترش یافت.

امروز هم اگر دنیای کنونی بخواهد روح آسایش ببیند و از این فساد اخلاقی و کشمکشهای اجتماعی که ممکن است بانقراض نوع انسان منتهی گردد جلوگیری نماید چاره منحصر بفرادینست که تمام ملل برادر و وار در زیر پرچم توحید گرد آیند و قرآن مجید را برنامه اصلی زندگی و سنت نبوی را آئین نامه آن، و ائمه هدی را شارح و مفسر آنند، آری این همان برنامه و اساسنامه ایست که مسلمین صدراول اسلام هدف آمال خود قرار دادند و در ظرف مدتی کمتر از یک قرن پرچم امپراطوری عظیم اسلام در شرق و غرب دنیای آنروز باهتزاز در آمد آری نه تنها ما دارای چنین عقیده ای هستیم بلکه این همان عقیده ایست که تقریباً در نیم قرن قبل یکی از ادبا و نویسندگان بزرگ انگلستان نیز ابراز داشته است. بامید طلوع مجدد آفتاب جهانتاب اسلام.



**مکتب اسلام** - درباره آیاتی که جناب آقای هیوی بآن استشهاد کرده اند نظرات و تفسیرات دیگری هست که در بخش «تفسیر قرآن کریم» خواهد آمد.

بقیه از صفحه ۶۴

از عواقب کارهای زشت است و الادر هر محیطی و لولاینکه فاقد سینما وصف اتوبوس و زنان و دختران بوالهوس هم باشد برای کسیکه مبتلا بضعف ایمان بوده باشد وسیله فساد و فحشاء فراهم خواهد بود